



ویژه برنامه حسینیۀ «کرمانی‌ها» در سیزدهم محرم

شبیه خوانی حماسه

فاطمه سیرجانی - یکی از باشکوه‌ترین مراسمی که در سومین روز شهادت سید و سرور شهیدان، حسین بن علی (ع)، در منطقه مابزرگزار می‌شود، مراسم تعزیه خوانی و شبیه خوانی در حسینیۀ «کرمانی‌ها» ست؛ مراسمی که در یکصد و پنجاه سال گذشته، فراز و فرود داشته، اما هیچ‌گاه تزلزل در پایداری بانیانش پدید نیامده است. اگر چه امروز پایه‌گذاران این سنت زیبا در حسینیۀ «کرمانی‌ها» چهره در نقاب خاک کشیده‌اند، اما هنوز هستند کسانی که چراغ آن را روشن نگه دارند.

تأثیر تعزیه خوانی در دل‌ها

درب چوبی و قدیمی حسینیۀ «کرمانی‌ها» زودتر از موعد اعلام شده، بسته می‌شود. داخل حسینیۀ پُر شده است و جمعیت زیادی از خانم‌ها، که پشت در مانده‌اند، برای تماشای مراسم به بالکن مسجد رفته‌اند تا از پنجره‌های مشرف به حیاط حسینیۀ نظاره گر مراسم تعزیه باشند. کارت خبرنگاری، مجوز می‌شود برای ورود به جمعیت حاضر. معنای «جای سوزن انداختن پیدانمی‌شود» را اینجا می‌توان به خوبی حس کرد. سرتاسر فضای حسینیۀ با لباس افرادی که برای عزاداری آمده‌اند، سیاه شده است. نمی‌توان قدم از قدم برداشت. بالاخره جایی پیدا می‌کنیم و می‌نشینیم. دختر خانمی بغل دستم مشغول فیلم برداری است؛ نامش مریم است و ۱۵ ساله. می‌گوید از وقتی خودش را شناخته، در بیشتر مراسم محرم و صفر، که در حسینیۀ «کرمانی‌ها» برگزار شده، شرکت کرده است. در این میان مراسم شبیه خوانی سومین روز شهادت امام حسین (ع) برای او موزه دیگری دارد. اومی‌گوید: «برنامه‌های این حسینیۀ واقعا جالب و تأثیرگذار است. شخصا با اینکه هر سال مراسم تعزیه خوانی حسینیۀ را دیده‌ام، باز هم می‌آیم. راستش محرم که می‌شود برای دیدن مراسم شبیه خوانی لحظه شماری می‌کنم.»

او ادامه می‌دهد: «به تصویر کشیدن گوشه‌ای از واقعه کربلا در قالب شبیه خوانی از بسیاری از روزهایی که امروزه شاهدش هستیم، اثرگذارتر است.»

او با اشاره به اینکه هر سال وجهه تازه‌ای از واقعه کربلا را کشف می‌کند، آرزو مند است که فرهنگ تعزیه خوانی و شبیه خوانی در جامعه مابزرگزار شود و هر محرم شاهد اجراهای بیشتری از این هنر اصیل ایرانی باشیم.»

خدا رحمت کند کسانی را که چراغ این محافل را روشن کردند تا یاد امام حسین (ع) و آزادگی‌اش در دل‌ها زنده بماند. نزدیک به هشتاد سال در مراسم عزاداری امام حسین بوده‌ام و به شما می‌گویم که هر کسی برای امام حسین (ع) قدمی از روی خلوص و ارادات بردارد، نامش در دل‌ها زنده و در یادها ماندگار خواهد ماند

کاروان اسرای کربلا در حسینیۀ «کرمانی‌ها»

اسرای کربلا وارد صحنه می‌شوند و «شمر» نمایش، عربده کشان بر بچه‌های سبز پوش تازیانه می‌زند. با آمدن باز یگری که نقش حضرت زینب (س) را دارد، به همراه دو طفل سبز پوش

دیگر، صدای ناله و زاری حضار به آسمان می‌رود. تعزیه خوان با شرح غربت زینب و اهل بیت امام حسین (ع)، آتش بیشتری بر دل‌ها می‌زند. میانه این هیاهو، چشمم به پیرزن ریزنقشی می‌افتد که گوشه‌ای از ورودی حسینیۀ بر روی صندلی نشسته و آرام اشک می‌ریزد. از او درباره تأثیر برپایی مراسمی مثل شبیه خوانی و تعزیه در زنده نگه داشتن حماسه کربلا می‌پرسم که دوباره چشمانش پر از اشک می‌شود. او همان طور که با دستمالی سفید اشک هایش را پاک می‌کند، می‌گوید: «نزدیک به هفتاد سال از خدا عمر گرفته‌ام و بیشتر از ۵۰ سال است که در این حسینیۀ خدمت می‌کنم. همین قدر بگویم که زنده بودنم فقط و فقط به عشق این روزها و خدمت به عزاداران امام حسین (ع) است.»

خانم عرفانیان خاطرات زیادی از مراسم عزاداری در این حسینیۀ دارد، اما به گفته او مراسم نوحه خوانی روز عاشورا و تعزیه روز سوم شهادت امام حسین (ع)، چیز دیگری است و شور و حال بیشتری دارد. او می‌گوید: «خانم‌ها از سه چهار ساعت مانده به شروع مراسم می‌آیند، چون قبل از نماز ظهر باید در حسینیۀ را بنشینیم. حتی برای ایستادن هم جانیست. همه این‌ها نشانه عظمت و حقانیت امام حسین (ع) و ۷۲ یار وفادارش است که با گذشت صد سال از واقعه کربلا، چنین جمعیتی را به مجلس عزای خود می‌کشاند؛ مجلسی که پیر و جوان در آن اشک می‌ریزند و نوحه می‌خوانند.»

یادی از بانیان تعزیه

کمی جابه‌جایی بشوم. حق با خانم عرفانیان است؛ جابرای ایستادن نیست، چه برسد به اینکه بخواهی از قسمتی به قسمت دیگر بروی. به هر ترتیب کمی از قسمت خانم‌ها فاصله می‌گیرم. شبیه خوانی تقریباً تمام شده و حالا نوبت سینه‌زنی مردان است. جمعیت سیاه پوش وسط حسینیۀ با نوای نوحه خوان، دست‌ها را به هوای برند و بر سینه می‌کوبند.



تمام شدن مراسم شبیه خوانی، قسمت خانم‌ها را خلوت کرده است؛ برخی از آقایان به این قسمت و پای پنجره‌ها می‌آیند تا ادامه مراسم را بهتر ببینند؛ یکی از آن‌ها پیرمردی است که توان ایستادن روی پاهای خود را ندارد و چهار پایه به دست دنبال گوشه خلوتی می‌گردد. خادم الخمسه یکی از قدیمی‌های پایین خیابان است. به گفته خودش از کودکی تا الان که در دهه ۸۰ عمرش به سر می‌برد، همواره سعی کرده خودش را به مراسم شبیه خوانی حسینیۀ برساند. اومی‌گوید: «از وقتی به یاد دارم، این مراسم در حسینیۀ با همین شکل و شمایل برگزار می‌شده است. هر سال هم همین طور غلغله بوده و شلوغ، چه قبل انقلاب و چه بعد از آن. حتی کسانی که زیاد سر به صلاح و آرام نبودند و فقط در ایام محرم به حرمت این ماه، خلاف را کنار می‌گذاشتند هم در این مراسم حاضر می‌شدند و برای امام حسین (ع) سینه می‌زدند.» او ادامه می‌دهد: «فقط چند سالی در قدغنی تعزیه و عزاداری، در این حسینیۀ بروی عزاداران و تعزیه خوان‌ها بسته شد، اما با این حال باز هم برنامه‌هایی در خانه‌ها برگزار می‌شد، اما خیلی با احتیاط که مبادا سروکله‌آزان پیدا شود.»

خادم الخمسه همچنین یادی می‌کند از بانیان این مراسم که امروز در میان جمعیت نیستند: «خدا رحمت کند کسانی را که چراغ این محافل را روشن کردند تا یاد امام حسین (ع) و آزادگی‌اش در دل‌ها زنده بماند. نزدیک به هشتاد سال در مراسم عزاداری امام حسین بوده‌ام و به شما می‌گویم که هر کسی برای امام حسین (ع) قدمی از روی خلوص و ارادت بردارد، نامش در دل‌ها زنده و در یادها ماندگار خواهد ماند و این یعنی باقیات الصالحات.»

مهمان ناخوانده شدم

در باور برخی مردم حضور یافتن در چنین مراسمی، به واسطه دعوتی است که خود صاحب مجلس داشته است. خانم موسوی، زائری از یزد است که محرم ۱۰ سال قبل به همراه همسرش از این محله می‌گذشته و حضور جمعیت عزادار، او و همسرش را هم به این حسینیۀ کشانده است. آن حضور و نشستن پای مراسمی که برای اولین بار می‌دیده‌اند، آن قدر بر دلشان نشسته است که حضور در این مراسم، یکی از برنامه‌های سفر سالانه‌شان به مشهد می‌شود: «سال اول به نیت حرم به مشهد آمدم، اما همه چیز دست به دست هم داد تا از این حسینیۀ سر در بیاوریم. نمی‌دانم چرا آن روز حس کردم امام حسین (ع) خودش ما را به اینجا دعوت کرده است و طلبیده این حسینیۀ هستیم؟!»

زنده‌ام به امید بودن در عزای حسین (ع)

پایان مراسم سینه‌زنی هم می‌رسد. مردم به سمت در خروجی حرکت می‌کنند تا بعد از گرفتن غذای نذری، حسینیۀ را ترک کنند. پیرزنی با پسرش کناری ایستاده تا بعد از رفتن همه برود. پسر پیرزن ۷۰ ساله، درباره حضور مادر پیرش در این مراسم می‌گوید: «راه رفتن برای مادرم بسیار مشکل است، اما او به عشق امام حسین (ع) و تماشای مراسم تعزیه هر سال به اینجا می‌آید.» او ادامه می‌دهد: «چند ساعت مانده به شروع نمایش، مادرم را می‌آورم تا در ازدحام جمعیت اذیت نشود؛ در پایان هم تا آخرین نفر می‌ماند تا مشکلی برایش پیش نیاید.»

او درباره شور و اشتیاق مردم برای تماشای تعزیه حسینیۀ «کرمانی‌ها» هم می‌گوید: «این حسینیۀ قدمتی بیشتر از صد سال دارد. از وقتی که من یاد دارم، این مراسم بوده است. آجر به آجر این حسینیۀ با اشک و گریه بر مصیبت خاندان پیغمبر (ص) روی هم آمده است. حرکت، حرکتی مردمی بوده است و البته که مراسم تعزیه آن هم باید همین طور باشد. در واقع یک‌دل، صداقت و صفای اهالی محله در خدمت به خاندان ائمه و زنده نگه داشتن حماسه کربلا، رونق بخش این محفل شده است.»